

متن پرسش

سلام استاد: تبریک بابت روز معلم، به خاطر چیزهای زیادی که از شما یاد گرفتم اما حقیقتاً موضع گیری های شما سر بحث مذاکرات مرا ناامید کرد و ناامیدتر آنوقت که به عنوان استاد اخلاق دلوایسی ها و نگرانی های افراد دلسوز و انقلابی را با الفاظ به تو چه جواب می دادید، حتی اگر این دلسوزی ها درست نبوده باشه که البته زمان نشان خواهد داد که کاملاً درست بوده شما نباید با این تندى جواب می دادید، بگذریم. حسن روحانی: برای ما این مهم بود که بفهمید تنها راه، مذاکره است! الحمدلله فهمیدید! مذاکره مستقیم با آمریکا بعد از تجاوز دوم و ترور امامان آن هم با هیاهوی ۸۷ نفره و بستن دهان منتقدان، تابو را شکست و راه را بست بر انتقاد به هر سازشی که در دولتهای آینده رقم خواهد خورد! دست ظریف ها تا ابد باز شد! خب بالاخره مالک اشتر یا ابن عباس یا هرکس دیگه ای هم به حکمیت می رفت باز هم بازی توی پلن و زمین معاویه بود...! مثل اینکه یادتون رفته که اصل این مذاکره از کجا اومده و از چه خطوط فکری نشئت گرفته؟! مذاکره از موضع قدرت تون چرا هیچ خروجی نداره و با یه سری خزعلات نمایشی و تبلیغاتی پوچ دارید سر مردم رو گرم می کنید؟! راستش حمایت الان شما از مذاکرات و آقای قالیباف مرا یاد حمایت های شما از هاشمی رفسنجانی در صوت های قدیمی تان می اندازد آنهم با چه الفاظ و تعابیری! البته الان زمان روی دور تند می گذرد و به زودی متوجه اشتباه خود خواهید شد با احترام.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: با تشکر از لطفی که نسبت به بنده دارید؛ در این که مسلماً آنچه فرمودید از سر دلسوزی می باشد حرفی نیست، ولی عنایت داشته باشید وقتی این پیروزی بزرگ که در مقابله با استکبار برایمان به عنوان یک سرمایه می ماند که بتوانیم آن را در داخل کشور و در مناسباتی که نسبت به همدیگر داریم، درست معنا کنیم و بنگریم چگونه جریان های به ظاهر با روحیه انقلابی و مقابله با استکبار با نظام اسلامی همراهی نداشتند، همچون آقای شمس الواعظین ها در کنار ملت انقلابی و نظام اسلامی قرار گرفته اند. خطر در آن جا است که ما هنوز آن جریان ها را غیر خودی بدانیم و به بهانه مذاکرات قبلی با آمریکا که حقیقتاً با نوعی سازش همراه بود، در این زمان و در این تاریخ هم آن ها را متهم کنیم و از خود برانیم. غافل از این که اساساً مسیر کشور ایران تغییر کرده و شهادت رهبر انقلاب از یک طرف و حضور مردم مبعوث شده در میدان ها از طرف دیگر؛ صحنه را تغییر داده و همه متوجه ایران دیگری شده ایم. این است آن حضوری که نباید از آن غفلت کرد، حال چه به

مذاکرات در چنین فضایی موافق باشیم و چه موافق نباشیم، شایسته است که به جای نفی همدیگر، همدیگر را «فهم» کنیم.

اگر با نگاه پدیدارشناسی و نظر به جایگاه تاریخی موضوعات و افراد بیندیشیم حتماً متوجه مسیر تاریخی شخصیت آقای هاشمی خواهیم بود که یکجا رهبر شهید انقلاب فرمودند: «هیچ کس برای من آقای هاشمی نمی‌شود» و یکجا در نمازی که برای ایشان خواندند جمله معروف «اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا» که عموماً برای متوفی می‌خوانند برای ایشان نخواندند و در همین راستا حتماً جزوه «چه شد که کار به قتل امام حسین «علیه‌السلام» کشیده شد؟» را در

کتاب راز شادی امام حسین در قتلگاه صفحه ۱۳

» <https://eitaa.com/kotobtaherzadeh/۱۳۴۱>

که آن سال‌ها مطرح شد را ملاحظه کرده اید که در جزوه اصلی مقایسه‌ای بین خلیفه دوم و آقای هاشمی شده که به جهت سختگیری‌های ارشاد نام ایشان را حذف کردیم، و همه حرف آن است که پدیده‌ها و رخدادها و اشخاص را در بستر تاریخی که در آن هستند و در آن هستیم، بنگریم تا متفکرانه زندگی کنیم. <https://eitaa.com/mohammadi۶۱/۹۱۵> موفق باشید